



دانشگاه سمنور

مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی

(کارشناسی ارشد رشته اقتصاد)

علی یونسی

دکتر هادی غفاری

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد و رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز از این وضعیت بارها اظهار گله و ناخشنودی نموده‌اند.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاوردهای انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار	یازده
راهنمای مطالعه کتاب	پانزده
فصل اول. کلیات.....	۱
هدف کلی.....	۱
هدف‌های یادگیری.....	۱
مقدمه.....	۱
۱-۱ تعریف قاعده فقهی.....	۲
۲-۱ تفاوت قاعده فقهی با مسئله فقهی.....	۲
۳-۱ تفاوت قاعده فقهی با ضابطه فقهی.....	۳
۴-۱ تفاوت قاعده فقهی با نظریه فقهی.....	۳
۵-۱ تفاوت قاعده فقهی با قاعده اصولی.....	۴
۶-۱ تفاوت قاعده فقهی با قاعده حقوقی.....	۵
۷-۱ انواع قواعد فقهی.....	۶
۱-۷-۱ قواعد فقهی عام.....	۷
۲-۷-۱ قواعد فقهی خاص.....	۷
۸-۱ فواید و نتایج بحث از قواعد فقهی.....	۷
۹-۱ سیر تاریخی تکوین و تدوین قواعد فقهی.....	۸
۱-۹-۱ فقه عامه.....	۸
۲-۹-۱ فقه امامیه.....	۸
۱۰-۱ پیوند دین، فقه و اقتصاد.....	۱۰
۱-۱۰-۱ رابطه فقه و نظام اقتصادی.....	۱۱
۲-۱۰-۱ رابطه فقه و علم اقتصاد.....	۱۱
۳-۱۰-۱ رابطه فقه، حقوق و اقتصاد اسلامی.....	۱۲
۱۱-۱ حکم و اقسام آن.....	۱۳

۱۳.....	۱-۱۱-۱ تعریف حکم.....
۱۴.....	۲-۱۱-۱ ویژگی های حکم.....
۱۴.....	۳-۱۱-۱ تقسیمات احکام.....
۱۷.....	۱۲-۱ ادله استنباط احکام.....
۱۸.....	۱-۱۲-۱ قرآن.....
۱۹.....	۲-۱۲-۱ سنت.....
۲۰.....	۳-۱۲-۱ اجماع.....
۲۱.....	۴-۱۲-۱ عقل.....
۲۲.....	خلاصه.....
۲۳.....	خودآزمایی.....

۲۷.....	فصل دوم. قواعد فقهی اقتصادی.....
۲۷.....	هدف کلی.....
۲۷.....	هدف های یادگیری.....
۲۷.....	مقدمه.....
۲۸.....	۱-۲ قواعد فقهی اقتصادی.....
۲۸.....	۲-۲ قاعده اقرار العقلاء.....
۳۰.....	۳-۲ قاعده اتلاف و تسبیب.....
۳۰.....	۴-۲ قاعده اجاره.....
۳۱.....	۵-۲ قاعده احترام.....
۳۲.....	۱-۵-۲ فرق قاعده احترام و قاعده اتلاف.....
۳۲.....	۶-۲ قاعده احسان.....
۳۳.....	۷-۲ قاعده احیای موات.....
۳۵.....	۸-۲ قاعده آزادی و عدم اکراه.....
۳۶.....	۹-۲ قاعده استیمان (ائتمان).....
۳۷.....	۱۰-۲ قاعده اسراف.....
۳۸.....	۱۱-۲ قاعده اسقاط.....
۳۹.....	۱۲-۲ قاعده اضطرار.....
۴۰.....	۱۳-۲ قاعده اعراض.....
۴۱.....	۱۴-۲ قاعده اقدام.....
۴۱.....	۱۵-۲ قاعده اقریب.....
۴۱.....	۱۶-۲ قاعده الخراج بالضمان.....
۴۲.....	۱۷-۲ قاعده الدَّيْنِ مُقَدَّمٌ عَلَى الْارْث.....
۴۳.....	۱۸-۲ قاعده ملتزم بودن زعیم به انجام تعهدات خود.....
۴۴.....	۱۹-۲ قاعده المؤمنون عند شروطهم.....
۴۴.....	۲-۱۹-۱ ویژگی های صحت شرط.....
۴۵.....	۲۰-۲ قاعده لزوم ارائه بینه توسط مدعی و سوگند توسط منکر.....
۴۵.....	۲۱-۲ قاعده تبعیت عقود از قصود.....
۴۶.....	۲۲-۲ قاعده تحذیر.....

۴۶	۲۳-۲ قاعده تسلّط (سلطنت یا تسلیط).....
۴۷	۲۴-۲ قاعده تحجیر.....
۴۹	۲۵-۲ قاعده تعاون.....
۵۰	۲۶-۲ قاعده تعذر وفا به مدلول عقد.....
۵۱	۲۷-۲ قاعده تلف مبیع قبل از قبض.....
۵۲	۲۸-۲ قاعده جَبّ.....
۵۳	۲۹-۲ قاعده حرمت اخذ اجرت بر واجبات.....
۵۳	۳۰-۲ قاعده حق اولویت.....
۵۴	۳۱-۲ قاعده حیازت.....
۵۵	۳۲-۲ قاعده سد ذرایع.....
۵۶	۳۳-۲ قاعده سوق (بازار).....
۵۷	۳۴-۲ قاعده شرط فاسد.....
۵۷	۳۵-۲ قاعده صحت.....
۵۸	۳۵-۲ اصل صحت به معنای جواز تکلیفی.....
۵۹	۳۵-۲ اصل صحت.....
۵۹	۳۶-۲ قاعده ضمان ید (علی الید).....
۶۰	۳۷-۲ قاعده عدم سماع الانکار بعد الاقرار.....
۶۰	۳۸-۲ قاعده غرر.....
۶۱	۳۹-۲ قاعده غرور.....
۶۲	۳۹-۲ کاربردهای قاعده غرور.....
۶۲	۴۰-۲ قاعده قرعه.....
۶۳	۴۱-۲ قاعده لاحرج (قاعده نفی عسر و حرج).....
۶۳	۴۲-۲ قاعده لاضرر.....
۶۵	۴۳-۲ قاعده لزوم.....
۶۶	۴۴-۲ قاعده ما یضمن.....
۶۸	۴۵-۲ قاعده ملازمه‌ی اذن در شی با اذن در لوازم آن.....
۶۸	۴۶-۲ قاعده من ملک شیئاً.....
۷۰	۴۷-۲ قاعده میسور.....
۷۰	۴۸-۲ قاعده نفی سییل.....
۷۱	۴۹-۲ قاعده ولایت حاکمیت دولت اسلامی.....
۷۶	۵۰-۲ قاعده ید.....
۷۷	خلاصه.....
۸۳	خودآزمایی.....

۸۹	فصل سوم. کاربرد فقه و قواعد فقهی در بانکداری اسلامی.....
۸۹	هدف کلی.....
۸۹	هدف‌های یادگیری.....
۹۰	مقدمه.....
۹۰	۱-۳ حوزه‌های فقه‌ای و احکام ثابت بانکداری اسلامی.....

۱-۱-۳	حاکمیت دولت بر نظارت، کنترل و هدایت فعالیت‌های بانکی.....	۹۱
۲-۱-۳	خالی بودن معاملات بانکی از اکل مال به باطل.....	۹۲
۳-۱-۳	خالی بودن معاملات بانکی از ربا.....	۹۴
۴-۱-۳	خالی بودن معاملات بانکی از غرر.....	۹۹
۵-۱-۳	خالی بودن معاملات از بیع کالی به کالی.....	۱۰۰
۲-۳	ماهیت فقهی سپرده‌های بانکی.....	۱۰۰
۱-۲-۳	ماهیت فقهی سپرده‌های پس‌انداز و دیداری.....	۱۰۱
۲-۲-۳	ماهیت فقهی سپرده‌های مدت‌دار.....	۱۰۳
۳-۳	ماهیت فقهی ذخایر قانونی بانک‌ها.....	۱۰۴
۱-۳-۳	ماهیت فقهی ذخایر قانونی بر سپرده‌های دیداری و پس‌انداز.....	۱۰۵
۲-۳-۳	ماهیت فقهی ذخایر قانونی برداشت‌شده از سپرده‌های مدت‌دار (سپرده‌های سرمایه‌گذاری).....	۱۰۷
۴-۳	ماهیت فقهی کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا.....	۱۰۸
۱-۳-۳	راه‌حل‌های فقهی استفاده از کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا.....	۱۱۳
۵-۳	ماهیت فقهی تنزیل (خرید و فروش دین) و تنزیل مجدد.....	۱۱۸
۱-۵-۳	ماهیت فقهی و حقوقی تنزیل.....	۱۱۹
۲-۵-۳	ماهیت فقهی و حقوقی تنزیل مجدد.....	۱۲۰
۶-۳	امکان‌سنجی فقهی تشکیل بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی.....	۱۲۱
۱-۶-۳	اهداف تشکیل بازار بین بانکی.....	۱۲۲
۲-۶-۳	طراحی ابزارهای بازار بین بانکی در بانکداری بدون ربا.....	۱۲۲
۷-۳	امکان‌سنجی فقهی اعتبار در حساب جاری.....	۱۲۷
۱-۷-۳	ماهیت فقهی اعتبار در حساب جاری در بانکداری متعارف.....	۱۲۸
۲-۷-۳	راهکارهای پیشنهادی جهت ایجاد اعتبار در حساب جاری در بانکداری بدون ربا.....	۱۲۹
	خلاصه.....	۱۳۹
	خودآزمایی.....	۱۴۱

فصل چهارم. کاربرد فقه و قواعد فقهی در بازار مالی (بازار سرمایه).....		
۱۴۳	هدف کلی.....	۱۴۳
۱۴۳	هدف‌های یادگیری.....	۱۴۳
۱۴۳	مقدمه.....	۱۴۳
۱-۴	بورس.....	۱۴۴
۱-۱-۴	تعاریف و اصطلاحات بورس.....	۱۴۶
۲-۱-۴	بورس‌یازی.....	۱۴۷
۳-۱-۴	راهکارهای فقهی برای انجام معاملات بورس.....	۱۴۹
۲-۴	اصول کلی حاکم بر بازارهای مالی اسلامی.....	۱۵۲
۳-۴	صکوک.....	۱۵۳
۱-۳-۴	تاریخچه صکوک.....	۱۵۴
۲-۳-۴	انتشار اوراق صکوک.....	۱۵۶
۳-۳-۴	انواع صکوک.....	۱۵۶
۴-۳-۴	کاربردهای صکوک.....	۱۸۸

۱۹۰.....	۴-۳-۵ مقایسه اوراق صکوک با اوراق قرضه معمول.....
۱۹۲.....	۴-۳-۶ ریسک‌های صکوک.....
۱۹۲.....	۴-۴-۱ ابزارهای تأمین مالی اسلامی.....
۱۹۳.....	۴-۴-۱ استفاده از عقودهای بانکداری بدون ربا.....
۱۹۴.....	۴-۴-۲ استفاده از ابزارهای نوین بانکداری اسلامی.....
۱۹۵.....	۴-۴-۳ تبدیل دارایی به اوراق بهادار.....
۱۹۶.....	۴-۴-۴ مزیت‌های صکوک.....
۱۹۷.....	۴-۴-۵ زیرساخت‌های لازم برای توسعه بازار صکوک.....
۱۹۷.....	۴-۴-۶ سایر ابزارهای مالی مشتقه.....
۲۰۲.....	۴-۴-۷ بازیگران عمده در بازار اوراق مشتقه.....
۲۰۴.....	خلاصه.....
۲۰۷.....	خودآزمایی.....

۲۰۹.....	فصل پنجم. کاربرد فقه و قواعد فقهی در بازار کار.....
۲۰۹.....	هدف کلی.....
۲۰۹.....	هدف‌های یادگیری.....
۲۰۹.....	مقدمه.....
۲۱۰.....	۵-۱ لزوم شاغل بودن فرد مسلمان.....
۲۱۳.....	۵-۲ حقوق متقابل کارگر و کارفرما در اسلام.....
۲۱۵.....	۵-۳ وظایف دولت اسلامی در ایجاد اشتغال.....
۲۱۷.....	۵-۳-۱ اصل چهل و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....
۲۱۹.....	۵-۴-۱ کارکرد قواعد فقهی مرسوم.....
۲۱۹.....	۵-۴-۱-۱ قاعده ائتمان (عدم ضمان امین).....
۲۲۰.....	۵-۴-۲ قاعده احسان.....
۲۲۰.....	۵-۴-۳ قاعده اتلاف.....
۲۲۱.....	۵-۴-۴ قاعده المؤمنون عند شروطهم.....
۲۲۲.....	۵-۴-۵ قاعده نفی عسر و حرج.....
۲۲۲.....	۵-۴-۶ قاعده غرور.....
۲۲۳.....	۵-۴-۷ قاعده اقدام.....
۲۲۳.....	۵-۴-۸ قاعده اجاره.....
۲۲۴.....	۵-۵ کارکرد قواعد جدید.....
۲۲۴.....	۵-۵-۱ قاعده آزادی و عدم اکراه.....
۲۲۶.....	۵-۵-۲ قاعده اضطرار.....
۲۲۷.....	۵-۵-۳ قاعده اسراف.....
۲۲۸.....	۵-۵-۴ قاعده عدم انحصار یا عدم رفتار انحصارگرایانه.....
۲۳۲.....	۵-۵-۵ قاعده حاکمیت دولت اسلامی.....
۲۳۴.....	۵-۵-۶ قاعده تعاون.....
۲۳۵.....	۵-۵-۷ قاعده سد ذرایع.....
۲۳۵.....	۵-۵-۸ قاعده حجیت بازار مسلمانان.....

۲۳۶	۵-۹-۵ قاعده حق اولویت.....
۲۳۷	۵-۶-۶ محدودیت‌های فقهی و حقوقی اشتغال زنان در بازار کار.....
۲۳۹	۵-۶-۱ ممنوعیت قضاوت زنان.....
۲۳۹	۵-۶-۲ محدودیت اشتغال زنان در نیروهای مسلح.....
۲۴۰	۵-۶-۳ محدودیت‌های ناشی از زوجیت.....
۲۴۲	خلاصه.....
۲۴۳	خودآزمایی.....

۲۴۷	فصل ششم. کاربرد فقه و قواعد فقهی در حفظ منابع طبیعی و محیط زیست.....
۲۴۷	هدف کلی.....
۲۴۷	هدف‌های یادگیری.....
۲۴۸	مقدمه.....
۲۵۰	۶-۱ تعریف محیط زیست.....
۲۵۰	۶-۲ حفظ منابع طبیعی و محیط زیست.....
۲۵۲	۶-۳ دورنمای اسلام از محیط زیست.....
۲۵۲	۶-۴ اهمیت و جایگاه محیط زیست و حفظ آن در آموزه‌های دینی.....
۲۵۶	۶-۵ توازن زیست محیطی از دیدگاه اسلام.....
۲۵۸	۶-۶ کاربرد فقه و قواعد فقهی در حفظ محیط زیست.....
۲۵۸	۶-۶-۱ قاعده عدالت.....
۲۵۹	۶-۶-۲ قاعده لاضرر.....
۲۵۹	۶-۶-۳ اصل انصاف و نفع اجتماعی.....
۲۵۹	۶-۶-۴ اصل رفاه عمومی.....
۲۶۰	۶-۶-۵ اصل منع از اختلال نظام.....
۲۶۰	۶-۶-۶ اصل حاکمیت دولت.....
۲۶۰	۶-۷ راهکارهای حفظ محیط زیست در اسلام.....
۲۶۱	۶-۷-۱ چگونگی استفاده از منابع طبیعی.....
۲۶۲	۶-۷-۲ جلوگیری از آلودگی محیط زیست.....
۲۶۴	۶-۷-۳ تأکید بر عمران و آبادانی.....
۲۶۴	۶-۷-۴ زیستن به شیوه اسلامی و محیط زیست.....
۲۶۹	۶-۷-۵ دولت اسلامی و حفظ محیط زیست.....
۲۷۹	۶-۷-۶ مبانی فقهی وظایف دولت اسلامی در قبال محیط زیست.....
۲۹۲	خلاصه.....
۲۹۳	خودآزمایی.....

۲۹۵	پاسخنامه خودآزمایی چهارگزینه‌ای.....
-----	--------------------------------------

۲۹۷	کتابنامه.....
-----	---------------

پیشگفتار

کتاب پیش رو حاصل سالیان متمادی تجربه، تحقیق، مطالعه و تدریس درس مبانی فقهی اقتصاد اسلامی در دانشگاه پیام‌نور است. این کتاب به‌طور خاص، ویژه دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته‌ی اقتصاد دانشگاه پیام نور طراحی شده‌است، اما برای دانشجویان علاقه‌مند به این مباحث در دوره‌های بالاتر و همچنین داوطلبین آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه‌های کشور نیز مفید خواهد بود.

گفتنی است که به‌کارگیری شیوه آموزش از دور در رشته‌های علوم انسانی، گرچه ممکن است در ابتدای امر آسان و خالی از اشکال به‌نظر برسد، اما در دروس رشته اقتصاد که مبانی فقهی اقتصاد اسلامی بخشی از آن را تشکیل می‌دهد، وضعیت بدین منوال نیست. از این رو فراهم‌آوردن متنی که دانشجو خود قادر به یادگیری آن باشد، از اهمیت بسیاری برخوردار است. با این وجود مؤلفان کوشیده‌اند تا سرحد امکان مطالب را با بیانی ساده و شیوا و در خور فهم دانشجویان در دسترس آنان قرار دهند.

یکی از عمده‌ترین مباحث روز اقتصاد، تصمیم‌گیری و تطبیق دستورات دینی با مقتضیات زمان است. هر مکتب اقتصادی به‌عنوان یک زیربنا، دارای روبنایی به نام حقوق اقتصادی است. حقوق اقتصادی، مجموعه‌ای از احکام و مقررات اقتصادی در هر کشور است که جهت تسهیل در امور، براساس مکتب اقتصادی تدوین می‌شود. مکتب اقتصادی اسلام برای استخراج این حقوق از قواعد فقهی استفاده می‌کند؛ بنابراین قواعد فقهی، دستورات و بنیان‌های کلی هستند که از ادله شرعیه استخراج و استنباط‌شده و مبنای قوانین متعدد هر مکتب و نظام الهی هستند.

فقه پویای اسلامی طی قرون گذشته همواره در پی این بوده است که نه تنها خود را با مقتضیات زمان هماهنگ کند، بلکه به مدد اجتهاد و فتوایی که شاخصه بارز فقه اسلامی است، بتواند پاسخگوی نیازهای پیشرفته و مدرن بشری باشد. پدیده‌های نوظهوری که از لوازم اجتناب‌ناپذیر و ضروری زندگی امروزی است و باید با موازین اسلامی و اصول ثابت اخلاق اسلامی منطبق شود، وظیفه سنگینی را به دوش فقها گذاشته است. پیدایش حقوقی همچون، حق مؤلف و کپی رایت (حق مالکیت)، جرایم رایانه‌ای، استفاده از رایانه برای انجام معاملات و... از جمله مسائلی است که در یکی دو قرن اخیر تحت عنوان «عقود مستحدثه» یا «مسائل مستحدثه» مورد بحث و بررسی فقها و حقوق‌دانان قرار گرفته است.

در تألیف این کتاب علاوه بر اینکه تلاش شده از منابع اولیه‌ی مبانی فقهی اقتصاد اسلامی استفاده شود، توجه به مباحث جدید و منابع متناسب با مقتضیات زمان فراموش نشده و به فراخور نیاز، مباحث روز اقتصاد در فصل‌های مختلف گنجانیده شده است.

این کتاب در شش فصل طراحی شده و در نوع خود از نظر پوشش مباحث مبانی فقهی اقتصاد اسلامی کم نظیر است. در تقسیم‌بندی فصول کتاب ضمن حفظ ارتباط مباحث، از کامل‌بودن مطالب غافل نبوده و مطالب مورد نیاز دانشجویان، به بهانه‌ی حجم زیاد کتاب حذف نشده است.

فصل اول کتاب به کلیات مبانی فقهی اقتصاد اسلامی اختصاص داده شده است. در این فصل دانشجویان با تعریف قاعده فقهی و انواع آن، ادله استنباط احکام و سیر تاریخی تکوین و تدوین قواعد فقهی در فقه تشیع و تسنن آشنا می‌شوند. بیان و توضیح مبسوط انواع قواعد فقهی اقتصاد اسلامی در فصل دوم ارائه شده است. به جرأت می‌توان گفت، تمامی قواعد فقهی اقتصاد اسلامی (پنجاه قاعده فقهی اقتصاد اسلامی) در این فصل ذکر شده است و اگر قاعده‌ی فقهی به نظر خوانندگان محترم برسد که در این فصل نباشد، احتمالاً به دلیل عدم ارتباط آن با مباحث اقتصادی بوده است.

در فصل سوم کتاب، مطالب جامع و کاملی در خصوص کاربرد فقه و قواعد فقهی در بانکداری اسلامی به استحضار دانشجویان محترم می‌رسد. احکام ثابت بانکداری اسلامی، ماهیت فقهی سپرده‌ها و ذخایر بانکی، کارتهای اعتباری، تنزیل و

تنزیل مجدد، تشکیل بازار بین بانکی و اعتبار در حساب جاری از موضوعاتی است که در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرند. فصل چهارم با عنوان کاربرد فقه و قواعد فقهی در بازار مالی به راهکارهای فقهی معاملات بورس، بررسی انواع صکوک و اوراق بهادار اسلامی و نیز بیان دیدگاه‌های فقهی در مورد اوراق مشتقه می‌پردازد.

فصل پنجم کتاب به مباحث کاربرد فقه و قواعد فقهی در بازار کار اختصاص داده شده است. دانشجو در این فصل با قواعد فقهی مرسوم بازار کار مانند قاعده احسان، اتلاف، غرور و... و نیز با قواعد فقهی جدید در عرصه بازار کار همانند قاعده آزادی، تعاون، حاکمیت دولت اسلامی و... آشنا می‌شود.

«کاربرد فقه و قواعد فقهی در حفظ منابع طبیعی و محیط زیست» عنوان فصل ششم کتاب حاضر است. در این فصل ضمن برشمردن اهمیت حفظ منابع طبیعی و محیط زیست و توازن زیست محیطی از دیدگاه اسلام، به کاربرد قواعد فقهی اقتصادی در حفظ محیط زیست پرداخته می‌شود.

طراحی کتاب به گونه‌ای است که توالی فصل‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است، لذا توصیه می‌شود پیش از مطالعه فصل‌های اولیه از مطالعه سایر فصول خودداری شود.

در خاتمه ضمن تشکر و سپاس از کلیه اساتید، پژوهشگران و نویسندگانی که در این کتاب از یافته‌های علمی ایشان استفاده شده است به ویژه محققان ارجمند مقالات گوناگون فصلنامه اقتصاد اسلامی، از اساتید محترم و صاحب‌نظران انتظار می‌رود، نواقص و نارسایی‌های این اثر را با راهنمایی‌ها و ارشادات عالمانه‌ی خویش تذکر داده و مؤلفان را مرهون عنایات و الطاف خویش سازند.

هادی غفاری - علی یونسی

راهنمای مطالعه کتاب

دانشجوی گرامی

- ابتدا هدف‌های یادگیری هر فصل را مطالعه کنید. مطالعه این هدف‌ها به شما کمک می‌کند تا بدانید پس از پایان هر فصل در اطلاعات و آگاهی‌های علمی شما چه تغییراتی باید به وجود آمده باشد.
- ممکن است فهم هدف‌های یادگیری پیش از آشنایی به محتوای درس برای شما دشوار باشد، در این صورت می‌توانید هدف‌ها را یک بار بخوانید و هنگام خواندن درس دوباره به فهرست هدف‌های یادگیری مراجعه کنید.
- پس از مطالعه مقدماتی با در نظر گرفتن هدف‌های یادگیری یک بار دیگر متن را با دقت مطالعه کنید.
- قبل از پایان هر فصل خلاصه‌ی فصل و خودآزمایی گنجانیده شده‌است. توصیه می‌شود ابتدا خلاصه‌ی فصول را با دقت بخوانید و آنگاه به آزمون‌ها پاسخ دهید و پاسخ‌های خود را با پاسخ‌ها و مطالب کتاب مقایسه کنید.
- سپس میزان یادگیری و پیشرفت خود را ارزشیابی و در صورت لزوم برای رفع اشکال، مطالعه‌ی خود را تکرار کنید.

هدف کلی کتاب

آشنایی با مهم‌ترین قواعد فقهی اقتصاد اسلامی و کاربرد آن‌ها در بخش‌های مختلف اقتصادی از عمده‌ترین اهداف این کتاب است. مهم است که دانشجویان رشته‌ی اقتصاد

و علاقمندان به مباحث فقهی بدانند تعریف مبانی فقهی چیست، چگونه استخراج می‌شوند و در کجا کاربرد دارند.

این کتاب آشنایی دانشجویان با مبانی و بنیادهای فقهی اقتصاد اسلامی را از اهداف مهم خود می‌داند و سعی دارد دانشجویان پس از مطالعه‌ی کتاب در هر فعالیت اقتصادی به‌طور اجمال با دیدگاه فقهی اسلام نسبت به آن فعالیت آشنایی حاصل کنند و در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، شاخص‌های اسلامی برگرفته از مبانی فقهی را ملاک عمل قرار دهند.

فصل اول

کلیات

هدف کلی

دانشجو پس از مطالعه این فصل با مفهوم قاعده فقهی و برخی تعاریف مرتبط با آن آشنا شده، ضمن آگاهی از سیر تاریخی تدوین قواعد فقهی، به رابطه و پیوند دین، فقه، اقتصاد و اقتصاد اسلامی پی خواهد برد.

هدف‌های یادگیری

انتظار می‌رود دانشجو پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. قاعده فقهی را تعریف کند.
۲. تفاوت قاعده فقهی با مسئله، ضابطه و نظریه فقهی را تبیین کند.
۳. تفاوت قاعده فقهی با قاعده اصولی و حقوقی را توضیح دهد.
۴. تاریخ تکوین و تدوین قواعد فقهی در فقه تشیع و تسنن را شرح دهد.
۵. رابطه فقه و نظام اقتصادی و علم اقتصاد را تبیین کند.
۶. رابطه فقه، حقوق و اقتصاد اسلامی را توضیح دهد.
۷. حکم را تعریف کرده و ویژگی‌های آن را شرح دهد.
۸. ادله استنباط احکام را برشمرده و هر کدام را توضیح دهد.

مقدمه

در این فصل، پس از تعریف قاعده فقهی و بیان تفاوت آن با مسئله، ضابطه و نظریه فقهی، قاعده اصولی و حقوقی به انواع قواعد فقهی خواهیم پرداخت. سیر تاریخی تکوین و

تدوین قواعد فقهی در فقه عامه و امامیه، بخش دیگر این فصل را به خود اختصاص خواهد داد. تبیین پیوند دین، فقه و اقتصاد و تشریح حکم و اقسام آن و نیز بیان ادله استنباط احکام، دیگر موضوعاتی هستند که در این فصل مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند.

۱-۱ تعریف قاعده^۱ فقهی

فقه در لغت به معنی فهم و فهم دقیق و نافذ است که به کُنّه و غایت گفتار و کردار پی برد. به تدریج دایره شمول آن محدودتر شده و برای شناخت همه معارف و احکام و ابعاد سه‌گانه عقاید و اخلاق و احکام عملی فقه در اسلام به کار می‌رود. به تدریج و با مرور زمان، فقه بار دیگر معنی محدودتری پیدا کرده که همان معنایی است که امروزه از آن استفاده می‌شود، یعنی «علم به احکام شرعی فرعی از راه ادله تفصیلی آن».

قاعده فقهی بر قاعده‌ای اطلاق می‌شود که از ادله شرعی استخراج و استنباط شده و بر مصادیقش یعنی مجموعه‌ای از احکام فقهی منطبق می‌شود، همچون انطباق کلی طبیعی بر افراد و مصادیق خود (مصطفوی، ۱۴۱۲: ۹). مثل قاعده طهارت که در هر موردی که شک در طهارتش باشد اصل یا قاعده طهارت جاری شده و مورد مشکوک مطابق آن قاعده محکوم به طهارت می‌شود. به عبارت دیگر، قواعد فقه، فرمول‌های بسیار کلی هستند که منشاء استنباط قوانین محدودتر می‌شوند و به یک مورد ویژه اختصاص ندارند، بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می‌گیرند.

۲-۱ تفاوت قاعده فقهی با مسئله فقهی

مسئله فقهی عبارت است از بیان حکم کاری که مکلف باید یا نباید انجام دهد. در تفاوت قاعده و مسئله فقهی باید گفت قاعده فقهی حکمی است کلی و مسئله فقهی حکمی است خاص. یعنی ما انجام دادن یا ندادن یک مسئله فقهی را با کمک قاعده فقهی کشف می‌کنیم.

به سخن دیگر، هرگاه در احکام واقعی و ظاهری، موضوع حکم، امری خاص و معین باشد، مانند وجوب نماز و روزه یا صحت رهن و بیع، آن حکم را مسئله فقهی می‌نامند و چنانچه موضوع حکم، عام و کلی و منطبق بر موارد متعدد باشد، به نحوی

۱. قاعده به معنی پایه و اساس یک شیء و در اصطلاح قضیه‌ای کلی و حاکم بر جزئیات آن موضوع است. احکام جزئی فروع آن هستند و استنباط از آن‌ها تفریع نامیده می‌شود.

کلیات ۳

که حکم همه آن موارد در قضیه یکجا بیان شود، مانند «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»، آن را قاعده فقهی می‌گویند (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۶).

۱-۳ تفاوت قاعده فقهی با ضابطه فقهی

قاعده فقهی وسیع‌تر و اعم از ضابطه فقهی است. قاعده فقهی به یک باب خاص از ابواب فقه اختصاص ندارد، درحالی‌که ضابطه فقهی محدود به مسائل مطرح در یکی از ابواب فقه است. در این باره اللبنانی می‌گوید: «و القاعده لا تختص بباب، بخلاف الضابط» یعنی قاعده فقهی برخلاف ضابطه فقهی به یکی از ابواب فقه اختصاص ندارد (اللبنانی، ۱۳۳۱: ۲۹). به عقیده ابن نجیم نیز فرق بین ضابطه و قاعده فقهی آن است که قاعده شامل فروعی از ابواب گوناگون می‌شود، اما ضابطه فقهی، فروع مختص به یک باب واحد را در برمی‌گیرد.

فاضل لنکرانی (۱۴۱۶: ۱۱) معتقد است، قاعده فقهی با ضابطه فقهی دو تفاوت عمده دارد.

تفاوت اول: ضابطه فقهی به قضیه‌ای گفته می‌شود که در مقام بیان ملاک و شرایط برای تحقق موضوع است، درحالی‌که قاعده فقهی درصدد بیان موضوع یا متعلق موضوع نیست، بلکه درصدد بیان حکم کلی است که ارتباط به احکام دارد، نه موضوعات احکام. به‌عنوان مثال فقها در بحث شروط، برای صحت شرط ضمن عقد مواردی ذکر کرده‌اند از جمله اینکه شرط نباید مخالف کتاب و سنت یا مخالف مقتضای عقد باشد. این موارد را ضوابط صحت شرط گویند نه قاعده فقهی.

تفاوت دوم، این است که لازم نیست ضابطه فقهی به شارع نسبت داده یا از راه ادله شرعی اخذ شود، بلکه بسیاری از ضوابط از عرف یا مسائل مختلف علمی و فقهی اتخاذ می‌شود، درحالی‌که قواعد فقهی باید مستندات شرعی داشته تا بتوان آن‌ها را به شرع و شارع نسبت داد یا از ادله شرعی استخراج کرد.

۱-۴ تفاوت قاعده فقهی با نظریه فقهی

بعضی از فقهای اهل سنت بین قاعده و نظریه فقهی فرقی قائل نشده‌اند، از جمله ابوزهره در کتاب اصول فقه خود آورده است: «القواعد الفقهیه هی النظریات العامه الفقهیه»، یعنی قواعد فقهیه همان نظریات کلی فقهی است. اما برخی دیگر از فقهای اهل سنت بین آن دو

قائل به تفاوت شده و بیان کرده‌اند: نظریات فقهی غیر از قواعد کلی فقهی است؛ بلکه قواعد فقهی در حکم ضوابط برای نظریه‌های فقهی هستند (لطفی، ۱۳۸۵: ۷).

نظریه عام فقهی در واقع مجموعه‌ای از ارکان، شروط و احکامی است که وحدت موضوع حاکم بر همه آن عناصر، میان آن‌ها رابطه فقهی برقرار ساخته است. قواعد فقهی قضایی هستند که زیربنای مسائل فقه قرار می‌گیرند و همان‌طور که در تعریف آن‌ها گفته شد، منشاء استنباط فروع واقع می‌شوند؛ درحالی‌که نظریه عام را فقیه با ملاحظه وجوه مشترک میان احکام مختلف به دست می‌آورد. به سخن دیگر، قاعده فقهی توسط شارع وضع یا خلق می‌شود، درحالی‌که نظریه فقهی را فقیه با امعان نظر کشف می‌کند (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۴). مثلاً شارع مقدس می‌گوید: «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» (هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن آن است) که یک قاعده فقهی است، ولی وقتی فقیه می‌بیند که در عقد بیع، اجاره، نکاح و مانند این‌ها عقل و رشد معتبر است، آن‌گاه با دقت در اینکه این‌گونه شرایط مربوط به قصد انشا می‌شود، اذعان می‌کند جنون و صغر نیز موجب خلل در قصد هستند و لذا به این نظریه می‌رسد که در کلیه اعمال حقوقی اهلیت معتبر است و لذا می‌گوییم «نظریه اهلیت در عقود و ایقاعات».

به‌طور کلی می‌توان بین قاعده و نظریه فقهی به سه تفاوت زیر اشاره کرد:

- قاعده فقهی فی نفسه متضمن حکم شرعی فقهی است، برخلاف نظریه کلی در فقه که متضمن حکم فقهی نیست همچون نظریه مالکیت؛
- قاعده فقهی مشتمل بر ارکان و شرایط نیست، درحالی‌که نظریه فقهی دارای ارکان و شرایط است؛
- نظریه فقهی قضایی کلی است که به برخی از موضوعات رایج در ابواب مختلف فقه ارتباط دارد و در حکم مبنا و اساس برای مباحث فقهی است، اما قاعده فقهی با مجموعه‌ای از احکام با وجوه مشترک انطباق دارد. قواعد فقهی بخشی از احکام مشابه و شرعی هستند، منتهی در محدوده وسیع‌تر و گسترده‌تر.

۱-۵ تفاوت قاعده فقهی با قاعده اصولی

تفاوت میان قاعده اصولی با قاعده فقهی را باید در تفاوت میان دو دانش اصول و علم فقه جست‌وجو کرد. علم اصول فقه، علمی است ابزاری، درحالی‌که علم فقه، علمی است استقلالی (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۲۷). منظور از ابزاری بودن علم اصول این است که

کلیات ۵

قواعد این دانش صرفاً وسیله و ابزاری برای استنباط احکام شرعی‌اند و خودشان فی نفسه مورد نظر نیستند، درحالی‌که قاعده فقهی که حکمی کلی است و مصادیق جزئی‌ای دارد که هر کدام مسئله‌ای فقهی را تشکیل می‌دهد، فی نفسه حکمی از احکام شریعت است و مستقلاً مورد نظر قرار می‌گیرد. مثلاً قاعده «وجوب وفا به عقود» یک حکم شرعی کلی است و خودش اصالت دارد، یعنی تعیین‌کننده وظیفه برای بندگان خداوند است و به وسیله این قاعده می‌گوییم کلیه عقود اعم از بیع، اجاره، صلح و غیره لازم‌الوفا هستند؛ لکن قواعد اصولی چنین نیستند، بدین معنی که خودشان احکام شرعی محسوب نمی‌شوند، بلکه در کشف و به دست آوردن احکام شرعی نقش ابزار را دارند. قواعد اصولی نوعاً کبری قیاسی^۱ قرار می‌گیرند که از آن یک حکم و مسئله فقهی به دست می‌آید، مثلاً به عنوان مقدمه اول می‌گوییم: «آقیموا» در آیه شریفه «و آن آقیموا الصلوه» امر است (صغری) و به عنوان مقدمه دوم می‌گوییم: هر فعل امری دلالت بر وجوب آن فعل دارد (کبری) که از این استدلال نتیجه می‌گیریم: «آقیموا» دلالت بر وجوب دارد. مقدمه دوم (دلالت صیغه امر بر وجوب) قاعده اصولی است که به عنوان ابزار و کلید استنباط، حکم وجوب نماز از آن استفاده شده است، اما قواعد فقهی به شکل کلی در طریق استنباط احکام شرعی قرار نمی‌گیرند، بلکه خود آن قواعد، حکم فقهی هستند منتهی در محدوده وسیع‌تر و با مصادیق متعدد (لطفی، ۱۳۸۵: ۴).

۱-۶ تفاوت قاعده فقهی با قاعده حقوقی

قواعد فقهی در ابواب مختلف وجود دارد که از نظر محدوده شمول با هم متفاوت هستند. برخی قواعد فقهی صرفاً در ابواب عبادات کاربرد دارند؛ مثل قاعده فراغ^۲،

۱. منظور از مقدمات قیاس، دو قضیه‌ای است که به عنوان مقدمه قیاس ذکر می‌شوند و یکی را صغرای قیاس و دیگری را کبرای قیاس می‌نامیم. به مقدمه‌ای که موضوع نتیجه در آن باشد، صغری گویند (چه مقدمه اول باشد و چه مقدمه دوم). به مقدمه‌ای که محمول نتیجه در آن باشد و عموماً کلی است کبری گویند (چه مقدمه اول باشد و چه مقدمه دوم). حد وسط کلمه‌ای است که در صغری و کبری به صورت مساوی و با یک معنا تکرار شده باشد (خندان، ۱۳۷۹: ۵۶) مانند:

صغری: حسین متفکر است. کبری: هر متفکری اراده دارد. نتیجه: حسین اراده دارد.

۲. معنا و مفهوم قاعده فراغ این است که انسان عاقل و آگاه هر عملی که انجام می‌دهد اگر پس از عمل در بعضی از اجزا یا کیفیات آن شک کند که آیا صحیح بجا آورده یا نه، قاعده مزبور می‌گوید صحیح بجا آورده است. دلیل بر این قاعده، روایات، بنای عقلا و اجماع فقها است.